

این ترجمه را به دوست عزیزم
شهرام قنبری تقدیم می‌کنم

آستوریاس، میگل آنخل، ۱۸۹۹-۱۹۷۴. Asturias, Miguel Angel

چشمان باز مانده در گور / میگل آنخل آستوریاس؛ ترجمه سروش حبیبی. - تهران: ققنوس، ۱۳۸۲.

ISBN 964-311-541-0

۷۸۲ ص. - (ادبیات جهان؛ ۵۹. رمان؛ ۵۰)

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات قیبا.

Los ojos de los enterrados:

عنوان اصلی:

The eyes of the interred.

کتاب حاضر نخستین بار تحت عنوان «چشمان نرفته در گور» و سپس تحت عناوین مختلف در سال‌های مختلف توسط ناشران مختلف منتشر شده است. واژه‌نامه.

کتابنامه به صورت زیر نویس.

۱. داستان‌های اسپانیایی - قرن ۲۰ م. الف. حبیبی، سروش؛ ۱۳۱۲ - مترجم.

ب. عنوان. ج. عنوان: چشمان نرفته در گور.

ج ۵/۱۵ PZ ۳/۶۲ ۸۶۳/۶۲

۱۳۸۳

۸۳-۲۷۶۵۶

کتابخانه ملی ایران

چشمان باز مانده
در گور



میگل آنخل آستوریاس
ترجمهٔ سروش حبیبی

انتشارات ققنوس

تهران، ۱۳۸۴

این کتاب ترجمه‌ای است از :

The Eyes of the Interred

Miguel Angel Asturias



انتشارات ققنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری

شماره ۲۱۵، تلفن ۶۴۰۸۶۴۰

* * *

میگل آنخل آستوریاس

چشمان باز مانده در گور

ترجمه سروش حبیبی

چاپ اول (ناشر)

۱۶۵۰ نسخه

۱۳۸۴

چاپ شمشاد

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۰ - ۵۴۱ - ۳۱۱ - ۹۶۴

ISBN: 964-311-541-0

Printed in Iran

مقدمه مترجم

مقدمه مترجم

مقدمه مترجم

میگل آنخل آستوریاس، داستان‌نویس و شاعر گواتمالایی در نوزدهم اکتبر ۱۸۹۹ در سیوداد گواتمالا^۱ به دنیا آمد و در نهم ژوئن ۱۹۷۴ در مادرید از دنیا رفت. او از خانواده‌ای آزاداندیش و آزادی‌پو (پدری حقوقدان و مادری معلم) بود، که با حکومت خودکامه مانوئل استراداکا^۲ مبارزه می‌کرد. خانواده او به این سبب در ملک خود در سالومه پناه جسته بود. میگل آنخل دوران کودکی را در روستا و میان بومیان هندیشمرده گذراند. پس از پایان تحصیلات متوسطه در پایتخت به دانشکده حقوق وارد شد و بعد از نوشتن رساله‌ای در خصوص مسائل اجتماعی هندیشمردگان (۱۹۲۳) وکیل شد. همان سال به لندن سفر کرد و در کتابخانه موزه بریتانیا آثاری در خصوص تمدن مایا کشف کرد. بعد به پاریس سفر کرد و تحت سرپرستی پروفیسور ژرژ رنو^۳ به بررسی کتاب مقدس مایاهای کهن به نام *Popol Vuh* پرداخت و به اتفاق گونزالز و مندوزا^۴ آن را به

1. Ciudad Guatemala

2. Manuel Estrada Cabrera

3. George Raynaud

4. Gonzalez de Mendoza

اسپانیایی ترجمه کرد. از ۱۹۲۴ تا ۱۹۳۳ مقالات بسیاری در زمینه ادبیات و سیاست و نیز داستان‌ها و مقالاتی نوشت که بیش‌تر آن‌ها در مجله *El Imparcial* انتشار یافت. این نوشته‌ها بعدها (۱۹۷۰) در کتاب داستان‌ها و قصه‌های جوانی جمع‌آوری و چاپ شد. وقتی به گواتمالا بازگشت خ.خ. آروالو^۱ رئیس‌جمهور بود و او سفیر گواتمالا در مکزیک (۴۷-۱۹۴۶)، و آرژانتین (۱۹۴۸) شد و بعد در ۱۹۵۰ در همین کشور به مقام وزارت مشاور در امور فرهنگی رسید. بعد در ۱۹۵۳ با همین سمت به پاریس رفت و سه سال بعد در سان‌سالوادور سفیر شد. در ۱۹۵۴ بعد از سقوط حکومت پیشرو آریز^۲ دوباره راه تبعید را پیش گرفت و حتی از حقوق مدنی محروم شد. سال‌های درازی را در پاریس و ایتالیا (جنووا) به روزنامه‌نگاری اشتغال داشت. اما آوازه‌فراينده آثارش چنان بود که توانست در ۱۹۶۶ به کشورش بازگردد و با سمت سفیر مأمور پاریس بشود. در ۱۹۶۷ جایزه نوبل نصیبش شد. آوازه‌اش جهانگیر شده بود. میگل آنخل آستوریاس شاعری خوش‌ذوق و داستان‌سرایی تواناست، اما بیش‌تر داستان‌سرا شناخته شده است. می‌توان گفت که ادبیات بزرگ آمریکای لاتین با او شروع می‌شود و این ادبیاتی است که گرچه آینده واقعیت فرهنگی آمریکای لاتین است به قدری گرانمایه است که با ادبیات بزرگ گذشته و حال جهان برابری می‌کند. با آستوریاس نوع ادبی *indigenismo*، یعنی توصیف طرح‌وار جلوه‌های ظاهری زندگی هندی‌مردگان و دورگه‌های آمریکای لاتین برای همیشه منسوخ شده است. غول‌های بزرگ دیگری همچون آلو کارپانتیه و گارسیا مارکز و خوان رولفو و روآ باستوس و خوزه ماریا آرگداس و وارکاس یوسا این پیشرفت نافذ و قاطع رمان را قوت بخشیده و استوار کرده‌اند. بعد از نوشتن افسانه‌های گواتمالا (که بازآفرینی غنایی سنت‌های مملکتش بود) اولین شاهکار خود آقای رئیس‌جمهور را در ۱۹۴۶ انتشار داد و آن داستان فرمانروای خودکامه‌ای خیالی است، گرچه بازشناختن خصوصیات استرادا کابرا در آن دشوار نیست. جو این داستان اختناق‌آور و فجیع و نیز به سیاهی مضحک است. این فرمانروا در سراسر کتاب تقریباً هیچ‌جا حاضر نیست اما سایه‌اش بر زندگی و کارهای همه اشخاص کتاب مسلط است.

آستوریاس با وصف این جهان مقهور دیکتاتور ناپیدا به پایه‌ای از عظمت رسیده است که با شکسپیر پهلوی می‌زند. او همه روش‌های داستان‌نویسان امروزی مثل تک‌گویی درونی و وصف ضمیر آگاه و ناخودآگاه اشخاص کتاب و از این قبیل را چنان شاعرانه و با توانایی به کار می‌گیرد که گاهی با تصویر جهان فاسد و خونریز و جنون‌آمیزی که وصف می‌کند در تضاد است تا جایی که گفته‌اند که این داستان‌سرای گواتمالایی به نفوذ گفتار افسونی که در متون کهن مایایی ذکر شده است دست یافته است.

مجموعه سه گانه تندباد (۱۹۴۹)، پاپ سبز (۱۹۵۴) و چشمان بازمانده در گور (۱۹۶۰) از همین گونه‌اند و وصف ماجراهایی هستند که اندکی پیش از داستان آقای رئیس جمهور روی داده‌اند و بعد از آن در (۱۹۴۹) وصف مبارزات هندی‌شمر دگان است علیه سفیدپوستان و دورگه‌ها. این ذرتیان، ذرت را فقط به قصد تغذیه می‌کارند و حرمتشان به آن رنگ مذهبی دارد حال آن‌که سفیدان و دورگه‌ها به قصد تجارت به کشت و کار این غله می‌پردازند.

آستوریاس عناصری افسانه‌ای و خیالی از فرهنگ هندی‌شمر دگان را به داستان‌های خود وارد می‌کند تا بینش آن‌ها را بر زندگی نشان دهد. مجموعه سه گانه یاد شده در بالا، چنان که در زیر به ذکر مختصر یک یک آن‌ها می‌پردازیم، شرح مبارزات روستاییان است علیه موزپروران بزرگ آمریکایی، که آن‌ها را از خاک پدران خود رانده و زمین‌هاشان را تصاحب کرده‌اند. این روستاییان که ابتدا ظلم اقویا را بر خود روا داشتند عاقبت سازمان می‌یابند و سیاسی‌اندیش می‌شوند و علیه سرکوبگران خود سرکشی می‌کنند. این جا کار آستوریاس به صراحت اثری سیاسی می‌شود، کتاب او اعتراضی کوبنده است علیه سلطه خودکامه خورخه اویکو^۱ و شرکت‌های موزفروش آمریکایی مثل یونایتد فروت^۲ که می‌خواهند کشور او را به یک جمهوری موزمدار مبدل کنند. این آمیزه انتقاد اجتماعی و سیاسی و عناصر سنتی فرهنگی بومی چیزی را به وجود می‌آورد که «رئالیسم جادویی» آمریکایی لاتین نام گرفته است و آستوریاس و گارسیا مارکز بهترین نمایندگان آنند.

اولین کتاب دوره سه گانه‌ای که کتاب حاضر آخرین قسمت آن است، تندباد^۱ است و قهرمان آن، که با سه نام کوزی^۲ و لستر مید^۳ و لستر ستونر^۴ در کتاب ظاهر می‌شود سهامدار بزرگ و ثروتمند شرکت تراپیکال بنانا^۵ است، که دفاع از خرده مالکان بی چیز کشور را علیه پاپ سبز، یا مدیر عامل خودکامه شرکت یونایتد فروت به عهده می‌گیرد. این پاپ سبز با دیکتاتور حاکم بر کشور همداستان شده خرده مالکان را از خاک پدرانشان می‌راند و در زمین‌های آن‌ها کشتزارهای عظیمی احداث می‌کند. لستر مید و زنش لاند فاستر در کولاک هولناکی که کشتزارهای موز را نابود می‌کند هلاک می‌شوند اما دعوایی که او علیه پاپ سبز اقامه کرده با پیروزی او و همراهانش پایان می‌یابد.

مبارزه میان مید و شرکت یونایتد فروت استخوانبندی کتاب است. آستوریاس خود این کتاب را «اپزایی حاره‌ای» خوانده است، که دشت ساحل اقیانوس آرام صحنه عظیم آن است و هوای سوزان و سنگین و خفه کننده منطقه و شرایط سخت زندگی کشاورزان گرسنه بومی را با قلمی توانا به صورتی زنده و گویا و شاعرانه وصف کرده است. در این صحنه مردان آمریکایی در سالن‌های خنک و راحت خود با نوشیدن ویسکی و بازی پوکر وقت می‌گذرانند و زنانشان با ماجراهای عاشقانه کثیف و حقیر سرگرم هستند؛ و بومیان با مالاریا کلنجار می‌روند و مثل حیوان جان می‌کنند و حاصل ناچیز کار خود را صرف عیاشی با فواحش و سوزاندن اندرون خود با عرق تکیلا می‌کنند. تندباد اثری قوی و جسورانه است.

شخص مهم داستان دوم یا پاپ سبز، مردی خودساخته است. جرج میکر تامسن ابتدا قاچاقچی گمنامی است که عاقبت مدیرعامل و صاحب یکی از بزرگ‌ترین تراست‌های میوه می‌شود و آوازه قدرت‌ش تا دل آمریکا می‌رسد. مردی غول‌پیکر و زیبارو و بانشاط که هیچ قید اخلاقی، آزادی اعمالش را محدود نمی‌کند. یک بار در زندگی از راه پول و قدرت اندکی منحرف می‌شود و به مایاری، دختر زیبای بومی دل می‌بازد، ولی مایاری خودکشی می‌کند زیرا

1. *Fuerte Viento*

2. *Cosi*

3. *Lester Mead*

4. *Lester Stoner*

5. *Tropical Banana*

نمی‌تواند ظلم این جبار خونخوار را بر هم‌میهنان خود تحمل کند. جو میکرو تامسن پس از مرگ مایاری با مادر او دُنا فلورا^۱ ازدواج می‌کند که زنی قدرتمند و جسور است. میکرو تامسن پله‌های قدرت و ثروت را به سرعت بالا می‌رود و اعتراض‌ها و ملامت‌های وجدانش را خفه می‌کند و حتی فرستاده شرکت را که می‌خواهد پرده از روی سیاهکاری‌های او بردارد، در حادثه‌ای که اسباب آن را خود به دقت چیده است از میان برمی‌دارد. اما این جنایت برایش ناخجسته است زیرا این فرستاده بلاگردان شخص دیگری است به نام ریچارد وتون که خود را به نام ری سالسدون به او معرفی می‌کند و دخترش آورلیا را می‌فریبد و از راه به در می‌برد و چون دختر از او باردار شد، رهاش می‌کند. دختر برای فراموش کردن ناکامی خود به میگزساری پناه می‌برد و میکرو تامسن فرزند او را بزرگ می‌کند. می‌توان گفت که پاپ سبز اثری است که احوال روانی اشخاص خود را وصف می‌کند. صورت جو میکرو تامسن عظمتی حماسی می‌یابد، تصویری به یادماندنی است ولی ارزشی نمادین دارد و نماد کشاورزی است درگیر با نیروی کار انسانی و امکانات اقتصادی زمینی که غصب کرده و از آن بهره می‌کشد. وصف عشق جو به مایاری شعری است بسیار زیبا، چنان که شاعر خود شیفته شخصیتی است که خود ساخته و از طریق او عشق خود را به بومیان هندیشمرده کشورش و فرهنگ آن‌ها نمایان می‌سازد. مسئله دردناک قدرت آلاینده پول در این اثر پیوسته مطرح می‌شود. آلودگی آن را بعضی می‌پذیرند و بعضی رد می‌کنند. این رد پول یا به صورت سرکشی ظاهر می‌شود که به سرعت و با خشونت سرکوب می‌شود یا به صورت مرگی به طیب خاطر پذیرفته. مسئله دیگر استثمار انسان است توسط انسان. استثمار انسان راستین توسط انسان مجهز به ماشین و سرمایه‌دار و بهره‌جو، یعنی انسانی که انسان را انکار می‌کند.

کتاب سوم، چشمان بازمانده در گور، ماجرای اعتصاب عمومی بزرگی است که به خلع دیکتاتور گواتمالا انجامید و ضربه‌ای جدی به انحصار موز وارد آورد.

در قسمت اول یکی از شخصیت‌های داستان به نام دن نیو^۱ از آغاز کار کمپانی و نیز نحوهٔ عمل بی‌رحمانهٔ آمریکاییان برای لخت کردن بومیان یاد می‌کند. سپس کسی که می‌توان او را شخصیت مرکزی رمان دانست ظاهر می‌شود و این شخصیت تابو سان یا اوکتاویو سانسور یا خووان پابلو موندراگون مبارزی انقلابی است و این اسامی سه‌گانه، عشق او به مردم را با عشقی که او به مالنا تابای دارد، پیوند می‌دهد. این پیوند عاشقانهٔ دوگانهٔ او به مالنا و به مردم خود شعری عمیق است که با توانایی سروده شده است. بقیهٔ اثر به تدارکات روز معهود اختصاص یافته است. موفقیت اعتصابیون، هندیشمردگان مظلوم و در خاک رفته را تسلی می‌دهد و چشم‌ان باز مانده‌شان را می‌بندد، زیرا بنا بر افسانهٔ مایا چشم‌ان آن‌ها در گور به انتظار تحقق عدالت باز مانده است.

به این ترتیب چشم‌ان باز مانده در گور داستانی است مبتنی بر نظریه‌ای سیاسی. رمانی اجتماعی است که شیوه‌های سوررئالیستی بر تکنیک آن حاکم است و همین امر آن را گاه مبهم و حتی اندکی ملال‌آور می‌کند. شخصیت‌ها از ابتدا توجه خواننده را به خود جلب می‌کنند، حتی اگر مانند سروان کارکامو^۲ و سالومه^۳ که بر اثر عشق یا اعتقاد به انقلابیون می‌پیوندند قهرمان‌هایی فرعی باشند، یا مانند آناستازیا^۴ و خووامبو^۵ که سرخپوست بودنشان آن‌ها را بر آن می‌دارد که با انقلاب سر موافقت داشته باشند بی‌آن که بتوانند در آن شرکت جویند، یا مانند کائتانو دوئنده و پوپولوکا بازتاب فولکلور مایا باشند، موجوداتی افسانه‌ای با رفتاری تعصب‌آمیز. عامل تقویت‌کنندهٔ این شخصیت‌ها سبکی بسیار خوشایند و مهارت جالب توجهی در بیان است. رنگ‌ها، حرکات، اسم اصوات، ریتم‌ها، آفرینش‌های کلامی محض، نوعی فرهنگ لغت خاص آستوریاس می‌سازد که به این ترتیب تسلط کامل او بر زبان و منابعش را می‌رساند.

1. don Nepo

2. Carcamo

3. Salome

4. Anastasia

5. Juambo